

اثرات فضایی جریان نیروی کار از سکونتگاههای روستایی به مناطق صنعتی و ارتباط آن با وضعیت خدمات‌رسانی روستایی - کشاورزی (مورد: شهرستان ممسنی، دهستان جاوید ماهوری)

عبدالرضا رحمانی فضلی - دانشیار دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
مظفر صادقی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Spatial effects of labor force flow from the rural settlements to the industrial region and its relation to rural - agricultural servicing (Case: Javid-E-Mahori Villages, Mamasani County)

Abstract

Rural landscape is result of activity and quality of behavior and action of rural groups in the appointed natural-human environment. So, various villages have accepted different functions during time. But, in the recent decades, especially after the establishment of industrial centers and poles in the vicinity of settlement areas, some of settlements have lost their former function or have affected by industrial centers. In the case of this research, after the establishment and growth of industrial activities in Assalouyeh industrial pole, have affected the economic-production function of these settlements by industrial activities and considerably reduce their function. The results of these studies showed that are influenced the industrial activities of Asalouyeh on Studied settlements. As a result of these activities, much of the rural labor force employed in the industries and have achieved to higher welfare by higher income. But generally, Is more negative effects than positive effects. Since, increase in income cause to collapse production system of villages and dependence of villages to urban centers. Today, disem-bogue the labor force from villages and cost of agricultural activity cause to reduced Cultivation surface and agricultural output.

Keywords: Spatial effects, rural settlements, the labor force flow, rural-agricultural services

چکیده

چشم انداز روستایی، حاصل فعالیت و نحوه برخورد و عمل گروههای روستایی در محیط طبیعی - انسانی معین است. بر این اساس، روستاهای مختلف در طول زمان، کارکردهای گوناگونی را به خود گرفته‌اند. اما از یکی دو دهه گذشته، بخصوص بعد از شکل‌گیری مراکز و قطب‌های صنعتی در مجاورت نواحی سکونتگاهی، برخی از این سکونتگاهها کارکرد سابق خود را از دست داده و یا تحت تأثیر کارکردهای این مراکز صنعتی قرار گرفته‌اند. در فضای مورد مطالعه این پژوهش نیز، بعد از شکل‌گیری و رونق فعالیت‌های صنعتی در قطب صنعتی عسلویه، کارکرد اقتصادی - تولیدی سکونتگاههای روستایی که بر پایه تولیدات کشاورزی مبتنی بر نظام معیشتی استوار بوده است، تحت تأثیر فعالیت‌های صنعتی قرار گرفته و به طور قابل توجهی رنگ باخته است. نتایج حاصل از این مطالعات نشان داد، سکونتگاههای روستایی مورد مطالعه به علت ضعف ساختارهای خدمات رسانی روستایی - کشاورزی، به شدت از جاذبه فعالیت‌های صنعتی منطقه عسلویه تأثیر پذیرفته‌اند. بطوریکه در اثر اینگونه فعالیتها بخش اعظمی از نیروی کار روستاها به اشتغال در صنایع درآمد‌اند و با کسب درآمد بالاتر در صنایع نسبت به کشاورزی به سطح رفاه بالاتری دست یافته‌اند. اما این افزایش سطح درآمدی و رفاهی، به بهای فروپاشی نظام تولیدی روستاهای مذکور و تشدید وابستگی آنها به مراکز شهری صورت گرفته است و امروزه به علت خالی شدن روستاها از نیروی کار و همچنین مقرون به صرفه نبودن فعالیت‌های کشاورزی، سطح زیر کشت و بالتبع میزان تولیدات زراعی به شدت کاهش یافته است.

واژگان کلیدی: اثرات فضایی، سکونتگاههای روستایی، جریان نیروی کار، خدمات روستایی - کشاورزی

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۸۳۵۳۹۴۸، رایانامه: mozafarsadeghi@gmail.com

این مقاله، مستخرج از رساله دکتری با عنوان «الگوی خدمات‌رسانی روستایی - کشاورزی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات» می‌باشد که در دانشگاه شهید بهشتی، توسط مظفر صادقی و به راهنمایی دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی انجام شده است.

مقدمه و بیان مسئله

سکونتگاههای روستایی، فضاهای جغرافیایی و یا چشم اندازهای مکانی - فضایی حاصل از برآیند مجموعه عوامل و نیروهای چشم انداز طبیعی و چشم اندازهای فرهنگی است. در این ارتباط فضاهای روستایی به عنوان نوعی چشم انداز جغرافیایی حاصل توزیع فضایی عناصر و پدیده‌ها در بخشی از فضای جغرافیایی است. چشم انداز روستایی که حاصل فعالیت و نحوه برخورد و عمل گروههای روستایی در یک محیط طبیعی - انسانی معین است، از دو بعد قابل تأمل و بررسی می‌باشد: یکی چهره ظاهری، شامل بزرگی و کوچکی، نحوه قرارگیری اراضی، شکل ظاهری و ویژگی‌های خاص مسکن روستایی و دیگری ریخت درونی که در برگیرنده نحوه سازمان‌یابی و شکل‌پذیری مناسبات اجتماعی - اقتصادی گروههای روستایی است (سعیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۱).

در کشور ما در طول تاریخ، سکونتگاهها و فضاهای روستایی در پرتو رویارویی عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با عوامل طبیعی، کارکردهای متنوعی را به خود گرفته‌اند که بر اساس همین کارکردها، سکونتگاههای روستایی شکل خاصی از ساختارها و مناسبات اجتماعی را پذیرا گشته‌اند که برای درک بهتر این ساختارها و مناسبات اجتماعی ناگزیر به بررسی و شناخت روابط و مناسبات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر سکونتگاههای روستایی می‌باشیم.

یکی از مهمترین کارکردهای سکونتگاههای روستایی در شهرستان ممسنی - همانند غالب سکونتگاههای روستایی - در زمانهای گذشته، کارکرد اقتصادی - تولیدی بوده، که تداعی کننده نظریه سرمایه داری بهره‌بری در روابط و مناسبات شهر و روستا در این شهرستان در دوره‌های گذشته می‌باشد. اما طی سالهای اخیر، به خصوص در دهه جاری، برخی از سکونتگاههای روستایی در این شهرستان شاهد پاره‌ای تغییرات کارکردی در درون خود بوده‌اند که این تغییرات منجر به انجام دگرگونی‌هایی در ساختار اجتماعی - اقتصادی این سکونتگاهها گردیده است. این دگرگونی‌ها در

محیط‌های گوناگون معلول علل و عوامل متفاوتی بوده است. اما در غالب سکونتگاهها از جمله سکونتگاههای مورد مطالعه، این امر از یکسو ناشی از شکل‌گیری جاذبه‌های جدید در شعاع و حوزه نفوذ محلی و ناحیه‌ای سکونتگاههای پیرامون و از سوی دیگر، ضعف در ساختار و سازمان خدمات‌رسانی روستایی - کشاورزی سکونتگاههای روستایی بوده است. به طوری که استقرار صنایع در منطقه عسویه تأثیرات عمیقی بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه، بویژه جامعه روستایی گذاشته است و این اثرات هم از جنبه مثبت و هم منفی قابل بررسی و امعان نظر است.

بر این اساس، تحقیق حاضر به دنبال یافتن اثرات جریان نیروی کار از سکونتگاههای روستایی شهرستان ممسنی به منطقه صنعتی عسویه و علل و عوامل این آثار می‌باشد. فضای مورد مطالعه این تحقیق از ابتدای شکل‌گیری تاکنون بر اساس کارکرد اقتصادی - تولیدی در زمینه تولیدات کشاورزی به حیات خود ادامه داده و همواره منبع تغذیه‌ای برای شهر نورآباد بوده‌اند. اما از اوایل دهه جاری با شدت یافتن فعالیت‌های صنعتی، تأثیرات اجتماعی - اقتصادی دنباله‌داری، از طریق این مجموعه‌های صنعتی تحرک بخش بر این روستاها اعمال گردیده است. در نتیجه علاوه بر تغییرات اساسی در میزان تولیدات کشاورزی و انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به اشتغال در صنایع، ساختارهای اجتماعی این سکونتگاهها نیز در پرتو خلق فضاهای جدید، شاهد دگرگونی‌هایی در درون خود بوده‌اند. این امر به نوبه خود باعث تغییراتی در روابط و مناسبات این سکونتگاهها با شهر مرکزی ناحیه یعنی نورآباد گردیده است. این تغییرات را در توزیع جمعیت، فعالیت‌ها، کارکردها و ساختارهای اجتماعی - اقتصادی در سطح محلی و ناحیه ای می‌توان مشاهده کرد. محور عمده این پژوهش، شناخت تغییرات مکانی - فضایی سکونتگاههای روستایی، علل شکل‌گیری این تغییرات، و اثرات اجتماعی - اقتصادی آن بر فضای مورد مطالعه می‌باشد. حال در همین راستا با یک پرسش اساسی مواجه خواهیم بود که عبارتست از: جریان نیروی کار از روستاهای شهرستان ممسنی به منطقه عسویه چه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
۳۵ nt
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۵۶

اثرات مکانی - فضایی بر سکونتگاههای مذکور داشته است؟ در مقابل چنین سوالی این فرضیه را می توان مطرح نمود که: شکل گیری و گسترش فعالیت های صنعتی در منطقه عسلویه باعث جذب نیروی کار سکونتگاههای روستایی پیرامون و در نتیجه افزایش فرصت های شغلی و افزایش درآمد روستاییان گردیده و از طرفی نیز، دگرگونی های قابل ملاحظه ای را در نظام اجتماعی این سکونتگاهها بوجود آورده است. چنین تغییر قابل توجهی در اقتصاد روستاهای مورد مطالعه، تغییرات و دگرگونی های مکانی-فضایی دیگری را نیز به دنبال داشته است، که این پژوهش در حد امکان به شناخت این تغییرات و چگونگی آنها می پردازد.

اهداف پژوهش

پژوهش حاضر، به دنبال شناخت تغییر و تحولات مکانی- فضایی حاصل از جریان نیروی کار از سکونتگاههای روستایی به قطب صنعتی عسلویه و سپس بررسی نقش خدمات روستایی- کشاورزی در ایجاد تحولات مذکور می باشد. در نهایت این پژوهش سعی دارد، آثار و پیامدهای تحولات صورت گرفته را بر سکونتگاههای روستایی تبیین نماید. نتایج این پژوهش می تواند سرآغاز و مبنایی برای دیگر پژوهش ها و تحقیقات جامعتر در خصوص تاثیرات مکانی- فضایی

استقرار صنایع بر سکونتگاههای انسانی و تعیینات فضایی این تاثیرات در چشم انداز فضاها سکونتگاهی قرار گیرد.

مواد و روشها

بطور کلی پژوهش حاضر در دو سطح انجام گرفته است. سطح اول که مربوط به مطالعات نظری پژوهش می شود به شیوه کتابخانه ای- اسنادی بوده و سطح دیگر، به شیوه بازدیدهای میدانی و مشاهدات مستقیم صورت گرفته است که با استفاده از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهدات عینی اطلاعات مورد نظر اخذ و به کمک نرم افزار S، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش از آزمونهای آماری ویلکاکسون^۱، مربع کای^۲ و ضرایب همبستگی سامرز^۳ و تاوکندال^۴ برای بررسی روابط بین متغیرها و سنجش درجه همبستگی آنها استفاده گردیده است. جامعه آماری این پژوهش دهستان جاوید ماهوری از توابع شهرستان ممسنی می باشد که متشکل از ۴۱ سکونتگاه روستایی کوچک و بزرگ می باشد. معیشت غالب آنها کشاورزی و دامداری است و بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ این دهستان مجموعاً شامل ۱۴۷۵ خانوار و ۵۴۴۰ نفر جمعیت می باشد، که از مجموع جمعیت این سکونتگاهها حدود ۷۰ درصد باسوادند و از لحاظ توزیع



جدول ۱. اندازه جمعیتی روستاهای مورد مطالعه:

ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و مطالعات میدانی، تابستان ۱۳۹۲

نوع روستا	نام روستا	جمعیت	تعداد خانوار
دشتی	مورکی	۱۸۷۵	۵۱۳
	دشت رزم موسی عربی	۹۵۱	۲۶۹
	باجگاه	۹۸۴	۲۵۵
	اب پخشان	۶۸۱	۱۸۴
	اسلام ابادجاوید	۲۳۲	۶۱
میان کوهی	بلوط جهان	۵۸	۱۵
	گوسنگان	۲۴۴	۶۶
	گوراب	۱۹۹	۵۶
	گرو	۱۳۳	۳۷
	زیر زرد علی شاهی	۸۳	۱۹

1. Wilcoxon test
2. Chi - Square

3. Somers' D
4. Kendall's tau-c

جنسی، تعداد زن و مرد تقریباً با هم برابر است. برای بررسی اثرات منطقه صنعتی عسلویه بر این سکونتگاهها ۱۰ روستا، به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب گردید. بدین ترتیب که روستاهای مورد مطالعه به دو گروه، روستاهای میانکوهی و دشتی تقسیم و سپس پنج روستای میانکوهی و پنج روستای دشتی به روش تصادفی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند.

مبانی نظری

یکی از ویژگی های سکونتگاه های انسانی تطور پذیری و پویایی آن است. این پویایی در فضا، طی روندهای زمانی به مدد تبدلات، تغییر شکل ها و نقل و انتقالاتی صورت می پذیرد که همواره خود را به صورت جابه جایی جمعیت، جریان کالا، انرژی، اطلاعات و سرمایه نشان می دهد (دولفوس، ۱۳۷۰، ص ۷۰).

در نیم قرن اخیر به لحاظ نظری روابط شهر و روستا در سرزمین های شرقی و از جمله کشور ما عموماً در قالب تئوری سرمایه داری بهره بری^۵ که توسط هانس بوبک ارائه شده، تبیین و تفسیر می شده است. اما لوئیز ویرت دیگر جغرافیدان آلمانی معتقد بود که روابط شهر و روستا در سرزمین های شرقی صرفاً بر مبنای بهره کشی ظالمانه مالکین شهری استوار نبوده بلکه شهر در قبال دریافت مازاد تولیدات روستایی به نوبه خود به عنوان مرکز سازماندهی کاملاً فعال عمل کرده و با خلق زمینه های اشتغال اضافی، کاهش اشتغال ناقص، ایجاد انگیزه برای تولیدات تجاری و مانند آن، بر عرصه های پیرامونی خود اثرات مثبتی نیز دارد (اهلرز، ۱۳۸۰، ص ۷۶). وی اضافه می کند این اثرات مثبت حاصل فرآیند انتشار نوآوری در نواحی نزدیک شهر یا نواحی که به لحاظ حمل و نقل در موقعیت مناسبی قرار دارند می باشد، به طوری که این نواحی به سبب برخورداری از خدمات شهری از حیث توسعه یافتگی تمایزات قابل ملاحظه ای را نسبت به نواحی دیگر نشان می دهند (ضیایی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰).

دیدگاه های طرفداران نظریه سرمایه داری بهره بری در فضای مورد مطالعه این تحقیق را می توان تا قبل از رشد و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

■ ۲۵۸ ■

گسترش شهر نشینی و توسعه شبکه های ارتباطی پذیرفت و این امر به وضوح در تا اوایل دهه جاری دیده می شده است. اما از این زمان به بعد این روابط به شدت دستخوش تغییرات و تحولات بسیاری گشته است. با افزایش نسبت جمعیت شهری و به تبع آن تضعیف روزافزون اقتصاد روستایی که خود مولود روابط و مناسبات نابرابر شهر و روستا، و خروج مازاد تولید و سرمایه از نواحی روستایی بوده است، روز به روز بر میزان مهاجرت های روستا- شهری افزون شده است. که در این بین برخی از دلایل مهاجرت ها ناشی از افزایش جاذبه و برخی نیز به دلیل عوامل دافعه در نواحی روستایی بوده است. بر اساس تئوری قطب رشد^۶ که از سوی افرادی چون فرانسوا پرو، میردال و هیریشمن مطرح گردیده است، توسعه در همه جا و به یکباره اتفاق نمی افتد، بلکه فرآیند توسعه ابتدا در برخی نقاط یا قطب های رشد ایجاد شده و سپس به نواحی اطراف منتشر می شود (کلانتری و حقیقی، ۱۳۸۲، ص ۶۹۴). علیرغم اینکه اثرات مثبت این صنایع بر وضعیت اقتصادی زندگی مردم محسوس است، اما تاکنون تأثیرات مکانی - فضایی استقرار صنایع بر سکونتگاه های منطقه چندان مورد بررسی جدی قرار نگرفته است.

تمام الگوها و سیاست های توسعه منطقه ای را می توان در دو رویکرد «توسعه از بالا» و «توسعه از پایین» خلاصه نمود. نمونه بارز الگوهای اجرا شده در توسعه از بالا، تعیین و توسعه «قطب های رشد» می باشد که در بسیاری از کشورهای صنعتی و در حال توسعه پیاده شده و امروزه صحبت از نقد این الگوبه میان آمده است. در مقابل، یکی از الگوهای رو به گسترش رویکرد توسعه از پایین، «خوشه های صنعتی» است که امروزه به اساسی ترین راهبرد در توسعه منطقه ای بخصوص در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است.

در نظریه قطب های رشد تصور این است که با تمرکز امکانات و صنایع در یک نقطه، آثار توسعه متمرکز این مکان، به تدریج به سایر نقاط منطقه و نواحی اطراف تسری خواهد یافت. فرانسوا پرو معتقد بود؛ رشد

5. Rent capitalism

6. Growth pole theory

اقتصادی در همه جا به صورت یکسان پدیدار نمی‌گردد، بلکه در کانون‌ها و قطب‌های متعدد با درجات متفاوت امکان ظهور و بروز می‌یابد (سعیدی، ۱۳۸۷، ص ۶۲۶).

اما در رویکرد مقابل، یعنی توسعه از پایین، این تصور مردود بوده و توسعه منطقه ای واقعی را در بسیج تمام امکانات و منابع طبیعی، فیزیکی، انسانی و غیره موجود در منطقه می‌داند. از این رو توسعه خوشه‌های صنعتی نه تنها الگویی تحمیل شده از خارج منطقه نیست، بلکه در واقع تحول در ساختار و ترکیب اقتصادی منطقه، مطابق با امکانات و قابلیت‌های آن می‌باشد (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۱).

یکی از الگوهای توسعه منطقه‌ای ایجاد قطب‌های توسعه است. این الگو برگرفته از نظریه قطب رشد فرانسوا پرو بوده که معتقد است توسعه در همه جا و به یکباره اتفاق نمی‌افتد بلکه فرآیند توسعه ابتدا در برخی نقاط یا قطب‌های رشد ایجاد شده و سپس به نواحی اطراف منتشر می‌شود و این انتشار از الگوی پخش فضایی که توسط هگراستراند سوئدی مطرح شد، تبعیت می‌نماید (شکویی ۱۳۷۵، ص ۳۰۲). این تفکر در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه ایران مورد توجه قرار گرفته است. بطوریکه بر اساس این الگو قطب‌های توسعه در مناطق مختلف ایران ایجاد شدند تا بدین ترتیب پخش اثرات توسعه حاصل از این نقاط کل اقتصاد منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

طرفداران شهرهای کوچک و قطب‌های توسعه در راستای توسعه روستایی، جنبه‌هایی از اهمیت این سکونتگاه‌ها را به عنوان مراکز خدمات منطقه ای در توسعه روستایی مطرح میکنند و بر ایجاد سلسله مراتب منسجم سکونتگاهی نیز اثرات توزیع و رخنه به پایین تأکید دارند (Satterth & Tacoli, 2003: 2). به نظر آنها شرایط این قطب‌ها و یا مراکز شهری از نظر تولید و ساختار نهادی پیش‌تاز توسعه روستایی و منطقه ای است (زبردست، ۱۳۸۳، ص ۲۵). با این وجود، صاحب نظرانی همچون داگلاس، سطح توسعه نواحی روستایی را در رویکرد قطب رشد، وابسته و غیر پایدار توصیف کرده‌اند و بسیاری دیگر نیز به شکست راهبردهای مبتنی بر رویکرد قطب رشد اشاره کرده‌اند (Firman, 1997).

قطب توسعه منطقه عسلویه نیز که در راستای چنین سیاست‌هایی ایجاد شده است علیرغم داشتن برخی اثرات مثبت، اثرات منفی قابل توجهی نیز بر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه داشته است. با توجه به اینکه منطقه مورد مطالعه مستعد بوده و پتانسیل مناسب برای توسعه کشاورزی را دارد اما استقرار صنایع در منطقه عسلویه باعث ایجاد آثار و پیامدهای قابل ملاحظه ای در بخش کشاورزی منطقه شده است. استقرار صنایع در منطقه عسلویه تأثیرات عمیقی بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه، بویژه جامعه روستایی گذاشته است این اثرات هم از جنبه مثبت و هم از جنبه منفی قابل بررسی و ارزیابی است. علیرغم اینکه اثرات این صنایع بر وضعیت زندگی مردم محسوس و قابل ملاحظه می‌باشد، اما تاکنون تأثیرات استقرار صنایع بر وضعیت منطقه مورد بررسی قرار نگرفته است.

بحث و بررسی

رونق فعالیت‌های صنعتی در منطقه صنعتی عسلویه از سابقه چندانی برخوردار نیست و شروع فعالیت‌های صنعتی در این منطقه به اوایل دهه ۱۳۷۰ بازمی‌گردد. از طرفی نیز تأثیراتی که مناطق و نواحی ویژه صنعتی بر اجتماعات و سکونتگاه‌های انسانی پیرامون خود اعم از شهر یا روستا می‌گذارند، مدت زمانی طول می‌کشد تا این اثرات شکل فضایی به خود بگیرند و یا به شکل عینی در محیط‌های اجتماعی اقتصادی قابل رویت باشد. به عبارت دیگر، تعینات کالبدی- فضایی اثرات کانون‌های صنعتی بر سکونتگاه‌های انسانی، فرایندی است که در بعد زمان بر بستر مکان معنا می‌یابد. از این رو، تأثیرات این منطقه عظیم صنعتی بر سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ممسنی، محدود به دیدگاه‌های این نوشتار نمی‌گردد و پژوهش حاضر تنها به ذکر پاره‌ای از تأثیرات مکانی- فضایی ملموس و در پاره‌ای موارد عینی می‌پردازد که ممکن است با گذشت زمان شدت و نوع این تأثیرات تغییر یابد و یا بکلی جهت جریانات موجود دچار تغییر و تحول گردد.

در محدوده مورد مطالعه، روابط و مناسبات



نزدیک و حتی دورتر شکل گرفت و نیروی کار مازاد سکونتگاههای روستایی که غالباً جوانان را در بر می‌گرفت، روستاهای خود را ترک و به اشتغال در صنایع پرداختند. بدین ترتیب فضاهای روستایی به یکباره جمعیت جوان و پشتوانه عظیم نیروی انسانی خود برای امور کشاورزی را از دادند. چنین تغییر و تحولاتی را به مثابه یک شوک می‌توان تلقی کرد، که بصورت ناگهانی بر پیکره این روستاها وارد گردد و سبب شد تا ظرف چند سال فعالیت‌های تولیدی و کشاورزی آنها به طور چشمگیری تنزل نماید و فضاهای روستایی تا اندازه زیادی پویایی و تحرک سابق خود را از دست بدهند. شکل‌گیری چنین جریانی نه تنها به لحاظ اقتصادی حائز اهمیت است بلکه از ابعاد اجتماعی، فرهنگی و فضایی نیز قابل توجه است؛ چراکه بحث ما در اینجا صرفاً انتقال ساده نیروی کار از بخش کشاورزی منطقه به بخش صنایع در عسلویه نیست، بلکه محور بحث ما در این فرایند بازتاب‌ها و بازخوردهای فضایی چنین انتقالی است که در سکونتگاههای منطقه به اشکال مختلفی ظهور و بروز یافته است. با کاهش فعالیت‌های کشاورزی و وابستگی روزافزون روستاها به تولیدات شهری، زمینه شکل‌گیری انزوای اجتماعی افراد ساکن در روستا و کاهش ارتباطات اجتماعی که قبلاً بخش عظیمی از آن در قالب ارتباطات همکاری در امور تولیدی تحقق می‌یافت فراهم گردیده

سکونتگاههای روستایی با شهر مرکزی ناحیه (نورآباد ممسنی)، از بدو شکل‌گیری تا اوایل دهه ۱۳۷۰ در چهارچوب نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک قابل تبیین و تشریح است. بر اساس این نظریه، مناسبات خاص شهرها و روستاهای پیرامونی واقع در حوزه نفوذ آنها بدین صورت است که شهرها مرکز سکونت زمینداران بزرگ است و حوزه نفوذ زراعی روستایی با ارائه اضافه تولیدات خود، اساس تغذیه جمعیت شهری و مبادلات تجاری آنها را فراهم می‌کنند. به این ترتیب شهرها از حوزه روستایی پیرامون خود ارتزاق می‌کنند و به واسطه وجود آنها دوام می‌یابند (سعیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۴). اما از این زمان به بعد با شکل‌گیری و رونق فعالیت‌های صنعتی و تاسیسات پتروشیمی و انجام سرمایه‌گذاری‌های عظیم دولتی در منطقه عسلویه که آغاز آن به سال ۱۳۷۴ برمی‌گردد، به سرعت زمینه‌های اشتغال برای نیروی کار مازاد سکونتگاههای شهری و روستایی دور و نزدیک پیرامون منطقه عسلویه فراهم گردید. همزمان با اجرای سیاست‌های توسعه صنایع نفت و گاز در منطقه عسلویه، سکونتگاههای روستایی منطقه نیز تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار گرفت و اثرات مثبت و منفی تقریباً مشابهی را تجربه کردند؛ بطوری که تا سالهای آخر دهه ۱۳۷۰ جریان عظیمی از انتقال نیروی کار بین منطقه صنعتی عسلویه با سکونتگاههای روستایی و شهری

جدول ۲. تعداد شاغلین روستاهای مورد مطالعه در منطقه صنعتی عسلویه؛ ماخذ: * مطالعات میدانی، تابستان ۱۳۹۲ ** مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰

نام روستا	تعداد مردان **	تعداد جمعیت شاغل در منطقه صنعتی عسلویه*
مورکی	۸۸۰	۱۲۳
دشت رزم موسی عربی	۴۹۲	۶۴
باجگاه	۴۹۹	۷۸
آب پخشان	۳۸۲	۶۲
اسلام ابادجاوید	۱۲۵	۲۰
بلوط جهان	۳۵	۱۲
گوسنگان	۱۰۰	۲۳
گوراب	۱۳۶	۲۸
گرو	۹۷	۱۷
زیر زرد علی شاهی	۳۴	۱۵
جمع کل	۲۷۹۰	۴۴۲

جدول ۳. نتایج آزمون یومان ویتنی

متغیر	نمونه	میانگین	انحراف معیار	Mann-Whitney U	ارزش معنی داری
متغیر	دشتی	۷۵.۰۲	۳۷.۶۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۹
	میانکوهی	۱۷.۰۶	۴.۴۴		

است.

گسترش این صنایع باعث افزایش دسترسی به فرصت‌های شغلی جدیدی در بخش صنعت شده است و به دلیل اختلاف درآمد بخش کشاورزی و صنعت تعداد زیادی از افراد شاغل در بخش کشاورزی شغل اصلی خود را تغییر داده و اشتغال در صنایع پتروشیمی درآمده‌اند (جدول شماره ۲). بنحویکه در ۱۰ روستایی که مورد بررسی و مطالعه میدانی واقع شده‌اند ۴۴۲ نفر یعنی ۱۵.۸۴ درصد کل جمعیت مرد در صنایع منطقه عسلویه مشغول بکار هستند که اگر بخواهیم نسبت آنها به جمعیت شاغل و یا جمعیت فعال منطقه را محاسبه کنیم قطعاً نسبت بزرگتر و معنادارتری را نشان خواهد داد. همین امر باعث گردیده تا عملاً فعالیت کشاورزی به عنوان شغل فرعی آنها درآید. بر این اساس؛ این تغییر شغل و در مواردی دو شغلی شدن باعث گردیده تا به روستائیان به درآمد بیشتری دست یافته و در مجموع درآمد سرانه مردم افزایش یابد.

نکته قابل تامل در این رابطه، تفاوت قابل توجه میان روستاهای دشتی و میانکوهی به لحاظ نسبت جمعیت شاغل در صنایع عسلویه به کل جمعیت مذکور سکونتگاه می‌باشد بنحوی که در روستاهای دشتی بطور میانگین حدود ۱۴ درصد و در روستاهای میانکوهی حدود ۲۷ درصد جمعیت مردان روستاها در صنایع منطقه عسلویه مشغول کار هستند. مقایسه این دو نوع سکونتگاه در متغیر مذکور با استفاده از آزمون یومان ویتنی نیز مورد آزمون قرار گرفت که با توجه به نتیجه این آزمون (۰/۰۰۹ < sig) نشان داده شد که از نظر نقش منطقه صنعتی عسلویه در جذب نیروهای کار تفاوت معناداری میان روستاهای میانکوهی و روستاهای دشتی وجود دارد.

دلیل چنین امری را می‌توان پتانسیل بالاتر روستاهای دشتی در فراهم نمودن بستری برای فعالیت‌های کشاورزی سودآورتر نسبت به روستاهای میانکوهی ذکر کرد^۷. روستاهایی که در طول دره‌ها، در سطح دامنه‌ها و شیب تپه‌ها قرار گرفته‌اند، از نظر جغرافیایی دچار نوعی انزو هستند و منابع طبیعی موجود برای کشاورزی در آنها ناچیز و محدود است (مهندسان مشاورستیران، ۱۳۵۵، ص ۱۲۴).

بنابراین در روستاهای میانکوهی به علت عدم وجود زمین‌های لازم برای فعالیت‌های کشاورزی که تا حدود زیادی ناشی از تنگناهای محیطی است، تنها جمعیت کمی از روستائیان می‌توانند در روستا به فعالیت بپردازند که خود یک عامل دافعه قوی برای خروج نیروی کار از روستا در کنار عوامل جاذبه مقصد تلقی می‌گردد.

افزایش درآمد و فرصت‌های شغلی که در روستاهای مورد مطالعه بازتاب‌های مکانی - فضایی کمابیش متفاوتی را به دنبال داشته است، بیانگر اثرات مثبت صنایع نفت و گاز منطقه صنعتی عسلویه بر اجتماعات روستایی منطقه می‌باشد. در کنار این اثرات مثبت، گسترش صنایع نفت و گاز اثرات و پیامدهای منفی دیگری را نیز به این اجتماعات تحمیل نموده است. تغییر الگوی کشت، پایین آمدن سطح تولیدات کشاورزی، تغییر در الگوی مصرف خانوارهای روستایی، کاهش ارزش زمین‌های کشاورزی، افزایش مهاجرت روستائیان به شهر، کاهش رغبت جوانان به فعالیت‌های کشاورزی و برخی مسائل اجتماعی - اقتصادی دیگر در سکونتگاه‌های روستایی را می‌توان از جمله اثرات منفی توسعه واحدهای صنعتی در منطقه عسلویه بر سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ممسنی دانست؛ بطوریکه بعد از گسترش فعالیت

۷. برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به: مطیعی لنگرودی، حسن: جایگاه کشاورزی در روستاهای دره‌های غرب شهرستان مشهد؛ تنگناها و راهکارها، مجله جغرافیا و توسعه

جدول ۴. محصولات عمده زراعی تولیدی در روستاهای مورد مطالعه قبل و بعد از شکل گیری عسلویه؛ ماخذ: اطلاعات بدست آمده از مطالعات میدانی، تابستان ۱۳۸۹

نام روستا	محصولات عمده زراعی قبل از شکل گیری عسلویه	محصولات زراعی بعد از شکل گیری عسلویه
مورکی	برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا	گندم، ذرت
دشت رزم	برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا	برنج، گندم، ذرت
باجگاه	برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا	برنج، گندم
آب پخشان	برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا	گندم، جو
اسلام آبادجاوید	برنج، گندم، جو، عدس، ماش، نخود، لوبیا	برنج، گندم، جو
بلوط جهان	برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، محصولات باغی	گندم، جو
گوسنگان	برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، محصولات باغی	برنج، گندم، محصولات باغی
گوراب	برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا، محصولات باغی	گندم
گرو	برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، نخود، لوبیا، محصولات باغی	گندم، جو
زیر زرد	برنج، گندم، جو، عدس، ماش، باقلا، محصولات باغی	گندم، جو

است که حاکی از کاهش شدید تنوع محصولات تولیدی در روستاهای مورد مطالعه دارد. امروزه این باور رایج گردیده است که توانمندی یک اجتماع در ایجاد سرمایه ای اجتماعی به منظور افزایش قابلیت اقتصادی از اهمیتی اساسی برخوردار است و آنچه که معمولاً در بسیاری از سکونتگاهها، به ویژه محیطهای روستایی از موانع رشد و توسعه اقتصادی به شمار می آید فقدان برخی زمینهها برای فعالیت و مبادله مناسب اقتصادی است (سعیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۱). همانطور که در جدول مشاهده می شود، قبل از شکلگیری عسلویه تمامی سکونتگاههای روستایی مورد مطالعه محصولات عمده مصرفی مورد نیاز خود را تولید می کرده اند و چنین تولیداتی متکی بر نوعی نظام همیاری و تعاون سنتی استوار بوده است. این نظام علاوه بر بهره مند ساختن کشاورزان از مزایا و محاسن تعاون در امر تولید، تقویت کننده تعاملات اجتماعی و ارتباطات اقتصادی در درون اجتماعات روستایی بوده است که هم به لحاظ اجتماعی و هم از نظر اقتصادی حائز اهمیت است. اما بعد از شکل گیری عسلویه تولیدات زراعی روستاها هم به لحاظ تنوع محصولات و هم از نظر میزان تولید کاهش چشمگیری را نشان می دهد، که خود این روند به معنای افزایش وابستگی روستاییان در تامین نیازهای مصرفی آنهاست. در همین راستا و به منظور

صنعتی با تغییر الگوی مصرف و افزایش تقاضا برای محصولات و فرآورده های کارخانه ای، کشت محصولاتی نظیر گندم و جو و برنج اهمیت خود را از دست داده است. این در حالی است که قبل از ایجاد قطب صنعتی عسلویه گندم و جو و ذرت در هر سال زراعی کشت می شدند و علاوه بر تامین نیازهای داخلی روستاها بخشی از نیازهای جمعیت شهری ناحیه نیز تامین می گردید. در این زمان نیازهای روستاییان در داخل خود روستا تامین می شد و نیازی به تولیدات کارخانه ای و فرآورده های شهری احساس نمی شد. اما در حال حاضر تولیدات روستاییان جوابگوی نیازهای آنان نیست. بطوری که روستاییان برای رفع بسیاری از نیازهای خود وابسته به شهر می باشند. شدت این وابستگی به حدی است که روستاییان حتی برای تامین برخی از محصولات کشاورزی که قبلاً خودشان در تولید آن قطب تولیدی ناحیه محسوب می شدند، نیز وابسته به بازارهای شهری گردیده اند. در حال حاضر در روستاهای مورد مطالعه محصولات زراعی از قبیل؛ نخود، عدس، ماش، لوبیا و برخی محصولات دیگر توسط تاجران دوره گرد شهری تهیه و تامین می گردد (بر اساس اطلاعات بدست آمده مطالعات میدانی). در جدول شماره (۴) عناوین برخی از عمده ترین محصولاتی که قبل و بعد از شکل گیری عسلویه در روستاهای منطقه کشت شده، آورده شده

جدول ۵. نتیجه آزمون سامرز بین متغیرهای سطح

Value		Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.	
Somers' d	Symmetric	.۰۱۶	.۰۶۳	.۲۶۰	.۷۹۵
	میزان برخورداری از خدمات	.۰۱۶	.۰۶۲	.۲۶۰	.۷۹۵
	سطح زیر کشت	.۰۱۷	.۰۶۴	.۲۶۰	.۷۹۵

جدول ۶. آزمون سامرز بین متغیرهای میزان تولیدات کشاورزی و میزان برخورداری از خدمات

Value		Asymp. Std. Error ^a	Approx. T ^b	Approx. Sig.	
Somers' d	Symmetric	.۰۲۱	.۰۶۷	.۳۲۰	.۸۶۵
	میزان برخورداری از خدمات	.۰۲۱	.۰۶۳	.۳۲۰	.۸۶۵
	میزان تولیدات	.۰۱۹	.۰۶۷	.۳۲۰	.۸۶۵



دشتی از وضعیت خدمات رسانی بهتری در زمینه خدمات روستایی-کشاورزی برخوردار بوده‌اند. برای اثبات دقیق موضوع، تحلیل همبستگی میان سطح زیرکشت و میزان برخورداری از خدمات در روستاهای نمونه با استفاده از ضریب همبستگی سامرز صورت گرفت، که با توجه به نتایج این آزمون، همبستگی بالای بین این دو متغیر با سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری ۰/۷۹۵ مورد تایید قرار گرفت. پس اینطور می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش میزان برخورداری سکونتگاهها از خدمات روستایی و کشاورزی، تأثیرات منفی جابجایی و انتقال نیروی کار بر سطح زیرکشت و میزان تولیدات به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است (جداول ۵ و ۶).

چنین تغییراتی باعث برهم خوردن نحوه مناسبات و ارتباطات اجتماعی - فرهنگی مابین اعضای این سکونتگاهها و بروز تغییراتی در نظام فضایی آنها گشته است. تا قبل از رونق فعالیت‌های صنعتی در عسلویه، معیشت تمامی ساکنان سکونتگاههای روستایی مورد مطالعه از طریق فعالیت‌های کشاورزی تأمین می‌شده است و به لحاظ سطح درآمدی نیز جمعیت روستایی غالباً در یک سطح بوده‌اند، ولی بعد از شکل گیری منطقه

آزمون صحت چنین روندی، رابطه بین نوع اشتغال روستاییان و تنوع و تعداد محصولات تولیدی آنها با استفاده از آزمون آماری ویلکاکسون^۸ در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به اینکه در نتیجه انجام این آزمون $p = 0.025$ بدست آمد و این مقدار کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، چنین می‌توان نتیجه گرفت که؛ رابطه معناداری بین نوع اشتغال روستاییان و تنوع محصولات زراعی وجود دارد. از سوی دیگر، محصولاتی که هم اکنون کشت می‌گردد به لحاظ سطح زیرکشت نیز کاهش چشمگیری ردا داشته است و از این نظر باز هم میان روستاهای دشتی و میانکوهی تفاوت‌هایی وجود داشته است، به گونه‌ای که، بر اساس اطلاعات بدست آمده از داده‌های میدانی، در روستاهای میانکوهی به طور میانگین ۴۸ درصد و در روستاهای دشتی ۳۱ درصد از سطح زیرکشت محصولات کشاورزی نسبت به قبل کاسته شده است که علت این امر را می‌توان به تفاوت این دو نوع سکونتگاه از نظر تعداد افراد شاغل و همچنین تفاوت آنها در فرایند انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به صنعت دانست.

بر اساس بررسی‌های میدانی صورت گرفته، روستاهای

۸. ویلکاکسون (wilcoxon test)، آزمون ناپارامتریک جهت آزمون متغیرهایی با مقیاس رتبه‌ای می‌باشد. از طریق این آزمون، امکان مقایسه قبل و بعد یک وضعیت تحت تاثیر یک متغیر امکان پذیر است.

وضعیت جدید، وابستگی از نوع روستا به شهر رقم خورده است. اولین نشانه این وابستگی افزایش نقدینگی در میان روستاییان است، که مهمترین پیامد آن رواج پول به جای مبادله کالا به کالا و ورود گسترده تولیدات شهری به روستاهاست. از سویی دیگر بنا به نتایج مطالعات میدانی، بیش از ۸۵ درصد کارگران درآمد خود را در بخش زمین و مسکن شهری سرمایه گذاری می کنند و این پدیده جدیدی است که نظام روستایی را به نظام شهری وابسته تر کرد. تا قبل از این درآمد و سرمایه های - هر چند ناچیز - خانوارهای روستایی بیشتر به شکل محصولات و کالاهای تولیدی و یا عوامل تولید بوده که طی فرایندهای گوناگون، بخشی از این تولیدات در چرخه باز تولید قرار می گرفت و بخشی از آن نیز هم از طریق مکانیزم های سنتی خاص هر منطقه باعث بهبود مناسبات و روابط روستاها با شهر می شد، اما در حال حاضر دستمزدهای بالایی که در ازای کار در صنایع نصیب کارگران می گردد، عمدتاً در بخش زمین و مسکن شهری سرمایه گذاری می گردد. چنین جریانی نه تنها سودی نصیب جامعه روستایی منطقه نمی نماید بلکه به سرعت باعث کاهش ارزش املاک روستایی و تشدید مهاجرت روستاییان به شهر می گردد. بگونه ای که بر اساس اطلاعات حاصل از مطالعات میدانی در روستاهای مورد مطالعه، ۸۳.۲ درصد افرادی که در صنایع عسلیویه مشغول بکار هستند، در شهر نخست ناحیه یعنی شهر نورآباد اقدام به سرمایه گذاری در

صنعتی عسلیویه و اشتغال برخی از روستاییان در فعالیت های صنعتی ضمن بهم خوردن همگونی و هارمونی سابق در امرار معاش، نوعی شکاف اقتصادی به لحاظ میزان درآمد بین روستاییان پدیدار گردیده که این امر باعث بروز برخی دگرگونیها در نظام اجتماعی - اقتصادی این سکونتگاهها گردیده است. یکی از این تحولات دگرگونیها از بین رفتن تعاون و همیاری در امر تولید و کاهش تعاملات مستقیم میان کشاورزان به علت بکارگیری کارگران روزمزد و کوچک شدن سطوح بهره برداری می باشد. زیرا از یک طرف از میزان فعالیت های کشاورزی کاسته شده و از طرف دیگر بخشی از همین میزان اندک فعالیت هم توسط کارگران روزمزد انجام می شود.

از دیگر عواملی که به واسطه شکل گیری و گسترش فعالیت های صنعتی در عسلیویه، دگرگونی هایی را در سکونتگاههای روستایی خلق کرده است، می توان به افزایش میزان نقدینگی در خانوارهای روستایی اشاره نمود. ایجاد و توسعه صنایع نفت و گاز منطقه عسلیویه، زمینه را برای افزایش درآمد جمعیت روستایی منطقه فراهم نموده است. بطوریکه بر اساس اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه، در روستاهای مورد مطالعه، افرادی که قبل از شکل گیری منطقه صنعتی عسلیویه بیکار و یا فاقد درآمد قابل ملاحظه ای بوده اند با اشتغال در این صنایع به درآمدهای نسبتاً بالایی دست یافته اند و در این

جدول ۷. میزان ارائه خدمات جدید روستایی- کشاورزی در ۱۰ سال گذشته، ماخذ: مطالعات میدانی، تابستان ۱۳۹۲

درصد	فراوانی	مقیاس (میزان تاثیر گذاری)
۱۰	۱۶	خیلی زیاد
۱۲.۵	۲۰	زیاد
۴۴.۳۷۵	۷۱	کم
۳۳.۱۲۵	۵۳	بسیار کم

جدول ۸. میزان بهبود خدمات موجود روستایی- کشاورزی در ۱۰ سال گذشته، ماخذ: مطالعات میدانی، تابستان ۱۳۹۲

درصد	فراوانی	مقیاس (میزان تاثیر گذاری)
۱.۲۵	۲	خیلی زیاد
۵	۸	زیاد
۱۰.۶۲۵	۱۷	کم
۸۳.۱۲۵	۱۳۳	بسیار کم

زمین یا مسکن نموده‌اند.

برای سنجش اثرات نهایی منطقه صنعتی عسلویه و رابطه آن با وضعیت خدمات رسانی روستایی-کشاورزی در سکونتگاههای روستایی مورد مطالعه، از ۱۶۰ نفر از کشاورزان، در خصوص ارائه خدمات جدید و یا بهبود خدمات موجود روستایی-کشاورزی، در یک مقیاس رتبه‌ای نظر سنجی بعمل آمد، که نتایج آن در جداول زیر آمده است.

با توجه به نتایج حاصل از نظر سنجی فوق می‌توان گفت، به علت جابجایی بخش زیادی از نیروی کار روستاهای مورد مطالعه و از دست رفتن آستانه جمعیتی لازم برای اقتصادی و به صرفه نمودن ارائه خدمات، وضعیت خدمات رسانی روستایی-کشاورزی در منطقه مورد مطالعه از دو منظر دچار آسیب شده، اول اینکه بسیاری از خدماتی که در منطقه وجود نداشته و روستاییان به آن احتیاج داشته‌اند، کماکان نیز در روستاهای مذکور ارائه نمی‌شود و دیگر اینکه خدمات موجود نیز به همان کیفیت سابق و حتی با کاهش کیفیت در عرضه مواجه شده‌اند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به مباحث ذکر شده در خصوص اثرات مکانی-فضایی منطقه صنعتی عسلویه بر سکونتگاههای روستایی شهرستان و جریان نیروی کار از این سکونتگاهها به منطقه عسلویه اینطور می‌توان نتیجه‌گیری نمود که؛ منطقه صنعتی عسلویه با وجود اثرات مثبت بر سکونتگاههای روستایی شهرستان ممسنی که بیشتر در برگیرنده جنبه‌ها و معیارهایی از رشد اقتصادی، بوده است، اثرات و پیامدهای منفی گسترده‌ای را نیز بر این سکونتگاهها اعمال نموده است و در مجموع تأثیرات منفی بیشتر بصورت تغییر در ساختار تولیدی و معیشتی روستاهای مورد مطالعه و تأثیرات مثبت آن به شکل افزایش درآمد روستاییان بوده است. شکل‌گیری منطقه عسلویه ضمن جذب سرمایه‌های انسانی روستایی مورد مطالعه، تضعیف نظام تولیدی این روستاها و پیامدهای متعاقب آن را به دنبال داشته است. همچنین در اثر جریان نیروی کار از روستاهای مورد مطالعه به منطقه

عسلویه، فضای ذهنی و توقعات ساکنان روستاها به خصوص جوانان دچار تغییر و تحول گردیده و تمایل به ماندگاری آنها در روستا را بشدت کاهش داده است، که این امر با توسعه پایدار روستایی به ویژه از منظر اقتصادی-اجتماعی دارای تعارض جدی خواهد بود. از سوی دیگر، شکل‌گیری این جریان نیروی کار به منطقه عسلویه بنحو کاملاً بارزی باعث افزایش درآمد روستاییان و افزایش سطح مصرف ساکنان روستاهای مورد مطالعه و بویژه خانوارهایی که در جریان نیروی کار مورد بحث نقش مستقیم دارند، گردیده است، به هر حال در کنار آثار مثبت منطقه عسلویه بر روستاهای شهرستان، نظام تولیدی و اقتصادی آنها، تضعیف گردیده است، که نمود فضایی این مسئله در مهاجرت‌های روستا-شهری از روستاهای مذکور به شهر نورآباد قابل مشاهده است. از طرفی خانوارهایی که هم اکنون در این روستاها باقی مانده‌اند نیز، مکانیسم‌ها و سازوکارهای ارتباطی و تولیدی گذشته خود را از دست داده و برای ادامه حیات خود وابستگی شدیدی به شهر مرکزی ناحیه یعنی نورآباد پیدا کرده‌اند. بنابراین شکل‌گیری و رونق فعالیت‌های صنعتی در منطقه عسلویه نتوانسته است به توسعه پایدار روستاهای شهرستان ممسنی بیانجامد و از سویی بهبود نظام خدمات رسانی روستایی کشاورزی را در بسیاری از روستاهای شهرستان و از جمله روستاهای مورد مطالعه با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

منابع و مأخذ

۱. دولفوس، اولیویه (۱۳۷۰) فضای جغرافیایی، ترجمه دکتر سیروس سهامی، چاپ اول، نشر نیکا، تهران.
۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران
۳. سعیدی، عباس (۱۳۸۷) رویکرد قطب رشد، دانشنامه جامع مدیریت شهری و روستایی، انتشارات سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور، تهران.
۴. سعیدی، عباس (۱۳۸۴) مبانی جغرافیای روستایی، چاپ ششم، انتشارات سمت، تهران
۵. سعیدی، عباس (۱۳۷۷) توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی در ایران، مجله مسکن و انقلاب، شماره



Incentives and Political Will in Land Use Planning for the Jakarta Metropolis, Third World Planning Review, Vol. 11, N 2. PP 138-154

18. Satterth, W. D & Tacoli C, (2003), the role of small and inter media urban centers in region and rural development, international in statute for environment and development, Washington.

تهران، صص ۲۱-۱۷.

۶. ضیایی، محمود (۱۳۷۹) نقش و جایگاه دولت در توسعه شهر و شهرنشینی در ایران، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

۷. کلانتری، خلیل و سرفراز حقیقی (۱۳۸۲) مطالعه اثرات قطب صنعتی مبارکه اصفهان بر توسعه کشاورزی منطقه، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۴، شماره ۳، صص ۷۰۰-۶۹۳

۸. اهلرز، اکارت (۱۳۸۰) ایران (شهر - روستا- عشایر)، ترجمه عباس سعیدی، نشر منشی، چاپ دوم، تهران.

۹. شکویی، حسین (۱۳۷۵) اندیشه‌های نور در فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتا شناسی، چاپ اول، تهران.

۱۰. مهندسین مشاور DHV (۱۳۷۱) رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، ترجمه سیدجواد میر و دیگران، چاپ اول، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی، تهران.

۱۱. مهندسان مشاور ستیران (۱۳۵۵) مطالعه استراتژی درازمدت طرح آمایش سرزمین، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.

۱۲. مطیعی لنگرودی، حسن و علی اکبر نجفی کانی، بررسی و ارزیابی اثرات شهرکها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (نمونه موردی: شهرستان بابل)، پژوهش های جغرافیایی شماره ۸۵، زمستان ۱۳۸۵

۱۳. مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۴) جایگاه کشاورزی در روستاهای درهای غرب شهرستان مشهد؛ تنگناها و راهکارها، مجله جغرافیا و توسعه، زاهدان، صص ۲۴-۵.

۱۴. زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳) اندازه شهر، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، تهران.

15. Firman, T.(1997), Land Conversion and Urban Development in the Northern Region of West Java, Indonesia, Urban Studies Journal, Vol. 34, N 7,pp 67-89

16. Douglass, M. and Friedman, J, eds, (1998), Cities for Citizens: Planning and the Rise of Civil Society in a Global Age, Wiley Publications, Chichester.

17. Douglass, M. (1989), The Environmental Sustainability of Development. Coordination,

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

۲۶۶